

Spring and Summer 2025, 2 (3), 40-54.

Analysis of the discourse of Mirza Hossein Khan Sepahsalar on military reforms

Behdad Hoseini¹ 

1. Corresponding Author, PhD in Post-Islamic Iranian History, Shahid Chamran University, AHVAZ, IRAN. E-mail: hamzeh.hoseini1366@gmail.com

Article Info	ABSTRACT
Article type: Research Article history: Received: 31 January 2025 Accepted: 21 July 2025 Published online: 6 September 2025 Keywords: Discourse analysis, Mirza Hussein khan Sepahsalar, modern army, military advisors, Nasser al-Din shah.	The ministry and premiership of Mirza Hossein Khan Moshir-ud-Dawlah, known as Sepahsalar (1249-1259) in the Nasser era is considered a turning point in terms of efforts to carry out comprehensive reforms towards Iran's modernization. Among his most important reforms, military programs have a prominent position and importance. The present article attempts to examine his military reforms with a descriptive-analytical method and in terms of the theory of discourse analysis. The main question is what approach did Sepahsalar's discourse have on military issues? It seems that the core of Sepahsalar's military discourse was the formation of a modern military force to defend Iran's rights and national sovereignty in the domestic and foreign arenas. The findings of this study show that in order to achieve this goal, he took the following measures: purchasing modern equipment and weapons from the West, setting a regular and independent budget for the Ministry of the Army and organizing the financial situation of the military, hiring foreign advisors for new training for the military forces, and trying to legalize the country's military apparatus by enacting and compiling new laws. It can be said that these measures were able to lead to a favorable situation in the military forces and provide the necessary structure and platform for subsequent efforts to form a modern national army in Iran.

Cite this article: Hoseini, Behdad, Second. (2025). Analysis of the discourse of Mirza Hossein Khan Sepahsalar on military reforms. *New Researches in the Studies of the History of Islam and Iran*, 2 (3), 40-54.



© The Author(s).

Publisher: Lorestan University.

DOI: <http://doi.org/10.22034/nrihs.2025.2066075.1053>

سال دوم، شماره دوم (پیاپی ۳)، بهار و تابستان ۱۴۰۴، ۴۰-۵۴.

تحلیل گفتمان میرزا حسین خان سپهسالار پیرامون اصلاحات نظامی

بهداد حسینی^۱ ✉

۱. دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام، دانشگاه شهید چمران، اهواز، ایران. رایانامه: hamzeh.hoseini1366@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: پژوهشی	دوره وزارت و صدارت میرزا حسین خان مشیرالدوله معروف به سپهسالار (۱۲۵۹-۱۲۴۹ ش) در عصر ناصری، نقطه عطفی به لحاظ تلاش برای انجام اصلاحات همه سویه جهت نوگرایی ایران محسوب می شود. در میان مهم ترین اصلاحات او، برنامه های نظامی از جایگاه و اهمیت برجسته ای برخوردار است. مقاله حاضر تلاش دارد اصلاحات نظامی او را با روش توصیفی-تحلیلی و به لحاظ نظریه تحلیلی گفتمانی بررسی کند. سوال اصلی آن است که گفتمان سپهسالار پیرامون مسائل نظامی دارای چه رویکردی بوده است؟ به نظر می رسد که هسته اصلی گفتمان نظامی سپهسالار، تشکیل نیروی نظامی مدرن جهت دفاع از حقوق و حاکمیت ملی ایران در عرصه داخلی و خارجی بود. یافته های این بررسی نشان می دهد او در راستای تحقق این هدف، چنین اقداماتی انجام داد: خرید تجهیزات و سلاح های مدرن از غرب، تنظیم بودجه منظم و مستقل برای وزارت لشکر و سروسامان دادن به وضعیت مالی نظامیان، استخدام مستشاران خارجی برای آموزش های نوین به نیروهای نظامی، تلاش برای قانونمند کردن دستگاه نظامی کشور از طریق وضع و تدوین قوانین جدید. می توان گفت این اقدامات توانست به وضعیت مطلوب در نیروهای نظامی منجر شود و ساختار و بستر لازم را جهت تلاش های بعدی برای تشکیل ارتش مدرن ملی در ایران فراهم کند.
تاریخ دریافت:	۱۴۰۳/۱۱/۱۲
پذیرش نهایی:	۱۴۰۴/۰۴/۳۰
تاریخ انتشار:	۱۴۰۴/۰۶/۱۵
کلیدواژه‌ها:	تحلیل گفتمانی، میرزا حسین خان سپهسالار، ارتش مدرن، مستشاران نظامی، ناصرالدین شاه.

استناد: حسینی، بهداد (۱۴۰۴). تحلیل گفتمان میرزا حسین خان سپهسالار پیرامون اصلاحات نظامی. پژوهش‌های نوین در مطالعات تاریخ اسلام و ایران، سال دوم، شماره ۲ (۳)، ۴۰-۵۴.



© نویسندگان.

ناشر: دانشگاه لرستان.

۱. مقدمه

نیاز تاریخی ایران در پی مواجهه با روسیه و انگلستان و شکست‌های سنگین و زیانبار، سبب شد تا نخبگان سیاسی کشور با اخذ علوم و فنون جدید دنیای غرب، ساختار نظامی کشور را اصلاح و با الگوبرداری و تقلید از ارتش‌های اروپایی، برای ایران ارتش قوی و مدرن تشکیل دهند. این تلاش جدی برای اصلاح ارتش ایران که از دوره عباس میرزا آغاز شد و دولتمردان نوگرایی چون قائم مقام فراهانی و امیرکبیر به جد آن را دنبال کردند در سراسر دوره پنجاه ساله حکومت ناصرالدین شاه قاجار ادامه داشت. در اوایل دوره ناصری، امیرکبیر صدراعظم پرتلاش و ترقی خواه، که ارتش مدرن را بستر و ضامن ثبات و توسعه ایران در گام اول می‌پنداشت، اقدامات بنیادی و تاثیرگذاری را در زمینه اصلاح و تشکیل ارتش مدرن انجام داد، اما با قتل او، برنامه‌های نوگرایانه نظامی‌اش به نتیجه نرسید و معلق ماند. چند سال بعد از قتل امیرکبیر نوبت به صدراعظم نوگرا و تجددطلب، میرزا حسین خان سپهسالار رسید. او از جمله کسانی بود که اصلاحات پر دامنه‌ای در زمینه نوگرایی ایران صورت داد. در میان اصلاحاتش، او توجه خاصی به مسائل نظامی داشت و نوسازی و مدرن کردن ارتش ایران یکی از مهم‌ترین دغدغه‌هایش بود.

در مورد اصلاحات نظامی سپهسالار در منابع گوناگون اطلاعات مختلفی وجود دارد. رضا نژاد یزدی و الجابری در پژوهش خود با عنوان «بررسی اصلاحات امیرکبیر و میرزا حسین خان سپهسالار در عرصه صنعت، ارتباطات و فرهنگ در دوره ناصری» (۱۴۰۰) اصلاحات گوناگون وی را بررسی و اشاره‌هایی کوتاه هم به مسائل نظامی داشتند. غلامرضایی در مقاله‌ای دیگر با عنوان «حیات سیاسی میرزا حسین خان سپهسالار قزوینی» (۱۴۰۲) به صورت کلی به اصلاحات

نظامی سپهسالار پرداخته است. تنکابنی در پژوهش «تحلیلی بر نقش تاریخی و جایگاه سپهسالار قزوینی در تحول نظامند ساختار دیوان سالاری در ایران» (۱۳۹۵) جسته‌وگریخته اشاره‌هایی جزئی به مسائل نظامی کرده است. احمدی در مقاله «اصلاحات سپهسالار» (۱۳۸۴) گزارش‌هایی ناقص در مورد اندیشه و اقدامات نظامی سپهسالار ارائه داده است. فراهانی منفرد در پژوهش «اصلاحات میرزا حسین خان سپهسالار قزوینی و دورویه تمدن بورژوازی غرب» (۱۳۷۵) کوتاه و گذرا به مسائل نظامی در اندیشه سپهسالار پرداخته است. یوسفی و عباسی تودشکی در مقاله‌ای با عنوان «نهاد زندان در دوره وزارت و صدارت میرزا حسین خان ۱۲۸۷-۱۲۹۷ق» (۱۳۹۴) نهاد زندان را در دوران صدارت و وزارت میرزا حسین خان سپهسالار بررسی کردند. این پژوهش بنا دارد موضوع را در قالب یک مقاله مستقل و جداگانه با کمک نظریه تحلیل گفتمانی و از زوایایی متفاوت مورد بررسی و واکاوی قرار دهد.

۲. چارچوب نظری

گفتمان از مفاهیم کلیدی است که نقش مهمی در شکل دادن به اندیشه فلسفی، اجتماعی و سیاسی دنیای غرب در نیمه دوم قرن بیستم داشته است. این مفهوم برای اولین بار «در مقاله تحلیل گفتمان، نوشته زلیک هریس^۱ در سال ۱۹۵۲م به کار رفته بود. در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰م وارد عرصه‌های زبان‌شناسی، نقد ادبی، روانکاوی، فلسفه، نظریه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی شد» (بشیر، ۱۳۸۴: ۱۲). نظریه تحلیل گفتمان ریشه در نظریات سوسور^۲ در زبان شناسی دارد که اندک اندک تحول یافت و به حوزه علوم

اجتماعی وارد شد. یورگنسن^۱ در یک تعریف از تحلیل گفتمان معتقد است: «گفتمان شیوه خاصی برای سخن گفتن درباره جهان و فهم آن است» (یورگنسن، ۱۳۸۹: ۱۷). «هر گفتمان دو وجه متمایز دارد، نخست وجه بیرونی یا آشکار که همان ساختار زبان شناختی متن یا کلام است و به مجموعه ای از جمله‌ها گفته می‌شود که در چارچوب یک پیام زبانی عرضه می‌شود. این پیام زبانی در سطح بالاتری از زبان شناسی یا متن عمل می‌کند» (بارت، ۱۳۸۷: ۳۱). بُعد و وجه درونی و پنهان گفتمان، همان عوامل برون متنی و برون زبانی اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فکری و فرهنگی است که مهم‌ترین وجه گفتمان است. در وجه درونی گفتمان «باید به فرآیندهای اجتماعی که مولد معنا است، توجه داشت؛ زیرا گفتمان‌ها شکل‌دهنده ذهنیت و ارتباطات اجتماعی-سیاسی هستند و از درون گفتمان‌های متفاوت، جهان‌های متفاوت درک می‌شود» (عضدانلو، ۱۳۸۰: ۱۷). به عبارت دیگر، هر گفتمان یک سکه دو رویه است، یک روی آن گفتار و سوی دیگر کارکرد سیاسی، فکری و اجتماعی است. بنابراین، «کارکردهای گفتمانی، همه جنبه‌های فعالیت انسان را در بر می‌گیرند، از این رو می‌توانیم گفتمان فکری، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و ورزشی داشته باشیم» (پارمحمادی، ۱۳۸۷: ۹۹). رویکردهای مختلفی به تحلیل گفتمان وجود دارد؛ اما از بین آن‌ها نظریه ارنستو لاکلاو^۲ و شانتال موفه^۳ دو فیلسوف بزرگ برای فهم و تحلیل امور سیاسی و اجتماعی از جامعیت بالایی برخوردار است. آن‌ها با استناد به نظریه سوسور معتقد بودند که سیاست و اجتماع مانند هر عمل دیگری نیازمند گفتمانی شدن است تا بتوان آن را فهم و معنا کرد. کار برجسته لاکلاو و موفه در نظریه تحلیل گفتمان این بود که توانستند نظریات گفتمان را از حوزه فرهنگ و فلسفه

به سیاست و جامعه بکشانند. آن‌ها گفتمان را «صورت بندی مجموعه‌ای از کدها، اشیا، افراد و ... می‌دانند که پیرامون یک دال کلیدی جایابی شده و هویت خویش را در برابر مجموعه ای از غیریت‌ها به دست می‌آورند» (Laclau, Mouffe, 2002: 139).

لاکلاو و موفه برای توصیف گفتمان خود از مولفه‌ها و مفاهیم خاص خود استفاده کردند. نگارنده در اینجا موضوع مذکور را برای بررسی عمیق در قالب بعضی از مفاهیم این نظریه از جمله دال مرکزی، لحظه یا دال‌های شناور و مفصل بندی بررسی کرده است. دال‌ها نشانه‌های مهمی هستند که با آن‌ها گفتمان هویت پیدا می‌کند، دال‌ها دو گونه‌اند؛ مرکزی و شناور. دال مرکزی به عنوان ستون اصلی گفتمان، دال‌های دیگر را حمایت می‌کند و آن‌ها را در حوزه قلمرو خود نگه می‌دارد. این مفهوم نشانه ممتاز و شاخص است که نشانه‌های دیگر حول آن انسجام می‌یابند؛ زیرا کل نظام معنایی گفتمان بر مفهوم دال مرکزی استوار است. لاکلاو و موفه در مورد دال مرکزی معتقدند «مبنای تولید هر گفتمانی تلاش برای مسلط ساختن حوزه گفتمان گونگی به منظور توقف جریان تفاوت‌ها و در نهایت ساخت یک مرکز است. ما نقاط گفتمانی مرجع این تثبیت نسبی را دال مرکزی می‌نامیم» (لاکلاو و موفه، ۱۳۹۳: ۱۸۳). به عبارت دیگر دال مرکزی «نیروی جاذبه است که سایر نشانه‌ها را به خود جذب می‌کنند و سامان می‌دهد و مفاهیمی که در یک گفتمان مفصل بندی می‌شوند حول دال مرکزی شکل پیدا می‌کنند» (اخوان کاظمی، ۱۳۹۱: ۱۱). لحظه یا دال‌های شناور مولفه‌ای هستند که به دنبال و حول دال مرکزی گرد می‌آیند و در راستای تحقق آن فعالیت می‌کنند تا بتوانند به کل عناصر گفتمان هویت ببخشند. لاکلاو و موفه در مورد دال‌های

شناور بیان می‌کنند: «دال‌هایی که پیرامون دال مرکزی گرد هم می‌آیند لحظه نامیده می‌شوند. به عبارت دیگر، لحظه‌ها عبارتند از؛ موقعیت‌ها و عناصری که در درون یک گفتمان مفصل‌بندی شده‌اند و به هویت و معنایی موقت دست یافته‌اند» (Laclau, Muffe, 2002 : 111). دیگر مولفه مهم گفتمان مفصل‌بندی است که «میان عناصر مختلف، ارتباط برقرار می‌کند و در نتیجه این ارتباط، هویت آن عناصر تعدیل می‌شود یا تغییر می‌کند، لا‌کلا و موفه کلیت ساختار یافته ناشی از عمل مفصل‌بندی را گفتمان نامیده‌اند» (میرزایی و ربانی خوراسگانی، ۱۳۹۳: ۲۶). نکته اساسی و محوری در مفصل‌بندی یک گفتمان دال مرکزی است. «هر گفتمانی، ایده‌ها و مفاهیم خود را از طریق استخدام دال‌ها و نشانه‌هایی انجام می‌دهد، این نشانه‌ها به طور مقطعی حول یک نقطه یا دال مرکزی تثبیت می‌شوند. نقطه مرکزی، نشانه یا دال برجسته و ممتازی است که نشانه‌های دیگر در سایه آن نظم پیدا می‌کنند و به هم مفصل‌بندی می‌شوند» (اخوان کاظمی، ۱۳۹۱: ۱۲). در ادامه، گفتمان نظامی میرزا حسین خان سپهسالار را براساس سه عنصر دال مرکزی، دال شناور و مفصل‌بندی گفتمان بررسی خواهیم کرد.

۳. وضعیت قشون ایران در آغاز صدارت سپهسالار

قشون ایران قبل از اصلاحات نظامی هیأت‌های فرانسوی و انگلیسی در دوره فتحعلی‌شاه قاجار براساس ساختار قشون در دوره‌های صفویه، افشاریه و زندیه بود و به دو گروه اصلی «سواره نظام عشایری و پیاده نظام روستایی تقسیم می‌شد. جنگ افزارها و روش‌های رزمی آن کهنه و سنتی بود و رسته‌های مهندسی و نیروی دریایی وجود نداشت» (سلیم، ۱۳۸۴: ۲۵/۲). در این دوره‌ها، حکومت هنگام جنگ افراد قشون را با سرعت از میان قبایل و دیگر گروه‌ها برای خدمت

فرا می‌خواند. سرجان ملک^۱ در مورد ارتش ایران قبل از انجام اصلاحات به سبک اروپایی نوشته است: «لشکر ایران عبارت است از جمعی کثیر سواره بی نظام که ایلات و احشامات ملک می‌دهند و سرکرده هر طایفه نیز از خود ایشان است و ... جمعی دیگر پیاده نظام غیرمنتظم هستند... سواره بی نظام که حال در ایران است مثل همان سواره‌ای است که در ایام سلف با رومیان می‌جنگیدند و هنوز روش آبا و اجدادی خود را از دست نداده‌اند» (ملک، ۱۳۸۳: ۶۶۱-۶۶۲).

در پی شکست‌های نظامی از روسیه در سال‌های ۱۸۱۳ م و ۱۸۲۸ م و شکست از انگلستان در سال ۱۸۵۶ م دولتمردان و حاکمان ایران نسبت به ضعف و عقب ماندگی کشور در زمینه نظامی آگاه شدند و تلاش برای اخذ علوم و فنون نظامی از اروپا صورت گرفت. این تلاش به دو شکل اعزام دانشجویان و استخدام مستشاران اروپایی انجام شد. انگلستان اولین کشوری بود که عباس میرزا از آن درخواست استخدام مستشار نظامی کرد و بلافاصله هیئت نظامی از افسران رشته‌های مختلف به سرپرستی هارت^۲ و هنری لیندسی^۳ به ایران آمدند. این هیأت به دستور عباس میرزا «یک کارخانه توپ‌ریزی در تبریز بنا کردند که جمعی از ایرانیان در آنجا مأمور شدند تا نحوه ساخت توپ‌سازی و توپ‌اندازی را از این هیأت فرا بگیرند» (دنبلی، ۱۳۸۴: ۳۲۷). در دوره فتحعلی‌شاه بنا به شرایط جهانی با فرانسه برای استخدام مستشار نظامی قرارداد بسته شد و ژنرال گاردان^۴ برای تعلیم و ایجاد تحولات نظامی به ایران فرستاده شد. هیأت فرانسه «با تلاش زیاد به تجدید سازمان نظامی پرداخته‌اند. آن‌ها یک کارخانه توپ‌ریزی در اصفهان ساخته‌اند، یک توپخانه صحرائی تأسیس کردند، در تهران زرادخانه ساختند که مجهز

3. Henry Lindsay
4. Guardan

1. Sarjan Malcum
2. Hart

به بیست عراده توپ بود. افسران فرانسوی در حدود ۳۵ هزار نفر پیاده نظام را آموزش دادند. در تبریز در مدت کوتاهی چهل هزار به شیوه اروپایی تربیت شد ولی افسران فرانسوی بنا به مقاصد سیاسی ایران را ترک کردند» (وراهرم، ۱۳۸۶: ۳۷۷). در دوره محمدشاه هیأت‌های مختلفی از کشورهای فرانسه و اتریش به ایران آمدند؛ اما به رغم اقدامات آن‌ها، کشور راه به جایی نبرد. با این حال «تغییر آموزگاران از فرانسوی به اتریشی صرفاً مربوط به کیفیت آموزش می‌شد و تغییر اساسی نه در تاکتیک و نه استراتژی ایجاد نمی‌کرد» (کشاورز، ۱۴۰۱: ۲۰۸).

با آغاز سلطنت ناصرالدین شاه اقدامات متعددی برای تحول و تغییر در سازمان نظامی انجام گرفت. صدراعظم باتدبیر ایران، تلاش‌های مهمی برای بازسازی ارتش انجام داد. امیرکبیر به رغم بدبینی به کشورهای اروپایی، به خوبی آگاه بود که بدون کمک مستشاران خارجی، اصلاح ارتش امکان پذیر نیست. او در استخدام مستشاران خارجی به دنبال نیروی سوم رفت و سرانجام با انتخاب اتریش، مسیو جان داوود را روانه اروپا کرد. اعتمادالسلطنه در مورد اقدامات امیرکبیر در جهت مدرن‌سازی ارتش ایران باور دارد: امیرنظام قشون را در تعیین جیره و مواجب معین برای افسران و سربازان، ایجاد کارخانه‌های اسلحه‌سازی، تهیه لباس نظامی به سبک ارتش اتریش ولی با پارچه ایرانی، ایجاد درجه‌های نظامی، جلوگیری از تعدی سربازان به اموال مردم، مشخص کردن صفوف ارتش، تهیه و نشر کتاب‌هایی درباره فنون نظامی، بنای عمارت توپخانه در تهران و چندین سرباز خانه در خارج از پایتخت و شهرستان ترقی داد (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ۱۱۷۲).

پس از قتل امیرکبیر بر دخالت انگلیسی‌ها در امور نظامی ایران افزوده شد و آن‌ها با فشار به دربار ایران «عده‌ای ایتالیایی از جمله کلنل متراستو برای آموختن پیاده نظام و تاک تیک و پوشه به عنوان معلم پیاده نظام در دارالفنون استخدام کردند» (بیانی، ۱۳۷۵: ۱۹۶/۳). تلاش امیرکبیر و

دیگر زمامداران نوگرای ایرانی با وجود همه چالش‌ها و موانع سبب شد تا «فناوری نظامی ایران در این دوره متحول گردد. ایران خود تولیدگر بیشتر تسلیحات جدید گشته و افسران در مدارس نظام که متد و البته مدرسین غربی داشتند- از جمله دارالفنون تحصیل می‌کردند» (کشاورزی، ۱۴۰۳: ۳۷).

با ظهور میرزا حسین خان سپهسالار در عرصه سیاسی و نظامی ایران، سومین دوره تحولات نظامی که مراحل قبلی خود را در زمان عباس میرزا و امیرکبیر طی کرده بود آغاز شد. منظور از عصر سپهسالار در این پژوهش، فاصله زمانی سال‌های ۱۲۵۰-۱۲۵۹ ش است که میرزا حسین خان مشیرالدوله مقامات مهم حکومتی از جمله وزارت عدلیه، وزیر جنگ، صدراعظمی و وزیر امور خارجه را به عهده داشت. در اوایل دوره سپهسالار وضعیت قشون بسیار وخیم بود و حتی کارهای زیربنایی که امیرکبیر انجام داده بود رها شده بودند:

وضع طبقه نظامی‌ها و سربازها از همه طبقات بدتر و تأسف آورتر است. سربازان ایران را معمولاً از خانواده‌های بی بضاعت شهرها و دهات می‌گیرند. خانواده آن‌ها پولی ندارند که به عنوان رشوه بدهند و فرزندان خود را از خدمت سربازی که واقعا تأسف آور است رهایی بخشند. این افراد محکومند که تمام عمر را چه در زمان جنگ و چه در زمان صلح سرباز بمانند. آنها لباس بد و پاره به تن دارند و لباس نو دریافت نمی‌کنند. گاهی اوقات کفش هم به پا ندارند و از همه مهم‌تر اسلحه خوبی نیز در اختیارشان قرار نمی‌دهند. حقوق و دستمزد هم نمی‌گیرند؛ البته پول و دستمزد سربازان از طرف شاه از صندوق دولت داده می‌شود و آنقدر این پول دست به دست می‌شود و در این راه تحلیل می‌رود که چیزی برای سربازان باقی نماند (بروگش، ۱۳۶۸: ۳۶۷).

۴.۴. دال مرکزی گفتمان نظامی سپهسالار

با توجه به وضعیت نیروها و سازمان نظامی ایران در زمان تصدی میرزا حسین خان سپهسالار، او تصمیم گرفت با دنبال کردن اصلاحات نظامی امیرکبیر، نیروهای نظامی ایران را به کلی از وضعیت سنتی خارج و با الگو گرفتن از ارتش

های اروپایی، ساختار نظامی را نوسازی کند. وی با این گونه اصلاحات و اقدامات هدف بزرگتری را دنبال می‌کرد که هسته اصلی گفتمان نظامی او را در بر می‌گرفت و آن دفاع از حقوق و حاکمیت ملی ایران بود. او ضمانت نظم و انتظام در داخل و تأمین حقوق و اعتبار بین‌المللی را به داشتن قشون قوی و منظم می‌دانست و گفته بود: «انتظام و قدرت دولت در داخله و حفظ حقوق و شأن و اعتبار دولت در خارجه منوط به هیأت منظمه قشون است» (اسناد سپهسالار، میرزا حسین خان، ش ۱۲۹۲). او در مورد مصمم بودن خود برای تشکیل قشون منظم که حافظ منافع ایران در خارج و داخل باشد در نامه‌ای به ناصرالدین شاه نوشته است: «آرام و آسایش نخواهم گرفت تا قشون را قشون نموده و وجود مبارک شاهانه را راحت سازم» (اسناد سپهسالار، میرزا حسین خان، ش ۱۲۹۱). سپهسالار زمانی که خبر یافت مدحت پاشا والی بغداد خیال تصرف خلیج فارس را دارد مقصود اصلی نظامی خود که همان تشکیل ارتش زمینی و دریایی قوی و نوین برای دفاع از حقوق و حاکمیت ملی ایران بود به زمامداران وقت ایران این طور گوشزد کرد: «مکرر و شفاعا عرض نموده اخذ حق یا حفظ حقوق یا ایجاد حق به جهت خود بسته به قوه سرنیزه و استعداد و قدرت بریه و بحریه است.... مدحت پاشا با اطمینان از عدم قدرت بحریه ایران امروز به این خیال است» (ایران، نامه محمدعلی خان مهندس، مأمور بوشهر، ۲۱ ربیع‌الثانی ۱۲۹۱). سپهسالار با درک عمیق نیازهای تاریخی دولت و جامعه ایران آن روز و اطلاعات، تجربیات و مشاهدات نوین خود از جوامع اروپایی، تشکیل ارتش مدرن و قوی را نیاز ضروری و فوری ایران برای حرکت به سمت توسعه و ترقی پنداشته است. وی به خوبی دریافته بود با توجه به وضعیت نیروهای گریز از مرکز داخل، حکومت ملوک الطوائفی قاجارها و عدم امنیت پایدار داخلی و همچنین خطرات خارجی که در برخورد با روسیه و انگلیس

هویدا شده بود، تشکیل ارتش مدرن و قوی برای رفع خطرات بالا و ایجاد امنیت پایدار، رکن اصلی اصلاحات نوگرایانه دولت او باید باشد.

۵. دال‌های شناور گفتمان نظامی میرزا حسین خان

مهم‌ترین دال‌های شناور گفتمان یا اقدامات سپهسالار برای تشکیل ارتش مدرن و قوی را در ذیل بیان شده است

۱-۵. خرید تجهیزات و سلاح مدرن از غرب و ساخت کارخانه های اسلحه‌سازی

خرید تجهیزات و سلاح از اروپا و ایجاد کارخانه‌های ساخت سلاح نظامی در ایران، یکی از مهم‌ترین اقدامات نظامی میرزا حسین خان سپهسالار برای تشکیل ارتش مدرن جهت دفاع از حقوق و حاکمیت ملی ایران بوده است. وی وجود قشون منظم و به روز را یکی از شرایط تحقق حکومت قانون و موقی می‌دانست و همیشه در حضور شاه «از تهیه اسلحه جدید، مشق روزانه نظامیان، اردوکاری جنگی، آسایش سرباز و شرافت سپاهگیری سخن می‌گفت» (خان ملک ساسانی، بی تا: ۷۰/۱). سپهسالار برای آگاهی از پیشرفت‌های فنی نظامی اروپاییان و خرید سلاح ابتدا عبدالرسول خان سرتیپ را به اروپا فرستاد و در حکم مأموریت وی بیان کرد: «مقصود اصلی از مأموریت شما این است که در فرنگستان حاضر شوید و از هر نوع تجربه اختراعات و تکمیل در هر اسلحه استحضار حاصل نموده و فی الفوری اولیای دولت علیه ایران را اطلاع داده... و اگر ممکن است نمونه‌ای از آن اسلحه جدید را بفرستید و اگر امکان ندارد نقشه‌ای حاضر نموده ارسال دارید تا اختراعات جدید نظامیه فرنگستان در نظر اولیای دولت علیه مجهول نماند» (ایران، دستورالعمل عبدالرسول خان سرتیپ، رجب ۱۲۸۵).

میرزا حسین خان سپهسالار سلاح و تجهیزات نظامی قشون قاجار را سنتی می‌دانست که جوابگوی نیازهای امروز

ارتش ایران برای مقابله با خطرات داخلی و خارجی نیستند. بنابراین در سال ۱۲۵۷ش «سی عراده توپ مترای یوز از کارخانه کروپ آلمان به ارزش سیصد هزار تومان خرید» (روزنامه ایران، ۱۷ محرم، ۱۲۹۲ق). او «شش کرو فشنگ به آلمان سفارش داده بود» (اسناد سپهسالار، شاه به میرزا حسین خان، ۱۲۹۱). سپهسالار در سال ۱۲۵۴ش قصد خرید اسلحه از آمریکا داشت و شاه در این زمینه او نوشت: «در فقره معامله اسلحه گفتگو کنید و به طوری که لازم است قرار بدهید» (صفایی، ۱۳۹۴: ۷۰). سپهسالار بعد از همراهی شاه در اروپا، برای ترغیب و تشویق او به نوسازی و نوگرایی ارتش ایران در زمینه خرید سلاح و ایجاد کارخانه تولید تجهیزات نظامی در ایران او را به بازدید از مراکز و کارخانه‌های نظامی اروپا توشیق کرد. از جمله «بازدید شاه از کارخانه اسلحه‌سازی کروپ در آلمان در بروز علاقه شاه به تولید اسلحه نقش مهمی ایفا کرد» (براد فورد جی، ۱۳۶۸: ۳۴).

سپهسالار به منظور تلاش برای خودکفایی ارتش ایران در زمینه بخشی از سلاح مورد نیاز، شروع به ساخت کارخانه های اسلحه سازی نمود. مهم ترین و برجسته ترین آن، «کارخانه ای که در سال ۱۲۹۲ق / ۱۸۷۵م با چرخ های بخار اروپایی باروت تولید می کرد» (جمال زاده، ۱۳۷۶: ۹۴). این کارخانه «با حمایت دولت و پشتیبانی اروپاییان به ماشین آلات خارجی مجهز بود و رواس فرانسوی که افسر توپخانه بود؛ مسئولیت این کارخانه را بر عهده داشت» (Blau, 1858: 116).

در بخش ساخت کارخانه های نظامی، میرزا حسین خان سپهسالار مبادرت به ایجاد کارخانه های بزرگ «چرخ بخار و کارخانه چدن ریزی برای ساخت توپ کرده بود. او سپس در باروت کویخانه تهران که در شمیران و در عهد امیر ایجاد شده بود چرخ بخار نصب کرد. به همین دلیل باروت آن

بسیار مرغوب تر شد. این اقدامات سبب شد که در سال ۱۲۹۳ق ارتش ایران صاحب پانصد عراده توپ گردد که این عدد برای آن تاریخ رقم قابل قبولی قلمداد می گردید» (آدمیت، ۱۳۸۵: ۴۳۲-۴۳۵).

اقدام دیگر میرزا حسین خان سپهسالار در زمینه تأمین اسلحه و مهمات برای ارتش ایران را باید به کار انداختن قورخانه دولتی دانست. او در گزارش به شاه نوشته:

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایون مبارک گرم غفلتا بدون اخبار، داخل قورخانه مبارکه گردیده و بخارهای آن‌ها رسیدگی نمودم قورخانه که از دو سال است متروک و مهمل مانده بود حالا می رود تازه شروع به کار نماید و هنوز به طوری که دلخواه بنده خانه زاد است نیست در چهار اطاق بقدر یکصد نفر نشسته و فشنگ و تفنگ را حاضر می کردند... (فرهاد معتمد، ۱۳۶۲: ۵۵).

آدمیت در مورد اندیشه سپهسالار در زمینه مجهز کردن ارتش ایران به سلاح و فنون غربی بیان کرده است: «مقصود وی سپاهی بود مشکل و منظم، مجهز به سلاح غربی، آشنا به فن رزم اروپایی با فرماندهی تعلیم یافته به سبک فرنگی» (آدمیت ۱۳۸۵: ۴۱۸). اقدامات سپهسالار در زمینه فنی نظامی به سه بخش تقسیم می شدند: اصلاح قورخانه، تأسیس کارخانه ها و تأمین سلاح و مهمات. او با مشاهده وضعیت سنتی و ناکارآمد تجهیزات نظامی قشون ایران کوشید با استفاده از فناوری های نوین غرب، ساختار نظامی ایران را به سلاح و تجهیزات مدرن مجهز کند.

۵-۲. تنظیم بودجه منظم و مستقل برای وزارت لشکر و سروسامان دادن به وضعیت مالی نظامیان

یکی دیگر از دال های شناور گفتمان نظامی یا اقدامات مهم میرزا حسین خان برای تشکیل ارتش مدرن در ایران، تنظیم بودجه منظم و مستقل برای وزارت لشکر و سروسامان دادن به وضعیت مالی نظامیان بوده است. سپهسالار پیش نیاز داشتن یک نیروی نظامی و دارای کارآمدی بالا را بودجه

درست و اصولی می‌دانست. او در نامه‌ای به ناصرالدین شاه عملکرد فوق‌العاده ارتش‌های اروپایی را به دلیل توجه به وضعیت مالی سپاهیان ذکر می‌کند: «در ممالک یوروپ تمام این ترقیات در اثر جدیت در رساندن جیره سربازان و تهیه وسایل حرب می‌باشد و اگر نوکری دولتخواه و صدیق در رأس امور مالی نباشد و جیره نوکران را نپردازد و مبالغی را که باید به مصرف خرید ادوات شود نرساند طبیعی است که امر قشون مختل می‌شود» (فرهاد معتمد، ۱۳۶۲: ۵۶).

سپهسالار اصلاحات نظامی را بدون توجه به وضعیت مالی نظامیان بی‌فایده تلقی می‌کرد و اذعان داشت: «قشون منتظم نمی‌شود مگر اینکه حقوق او را از جیره، مواجب، ملبوس، چادر و سایر لوازمات در وقت و موقع رسانید» (اسناد سپهسالار، میرزا حسین خان به شاه، ۱۲۹۸). او در نامه‌ای به ناصرالدین شاه در خصوص رسیدگی به بودجه نظامیان نوشت:

امیدوارم بعد از ورود به مقر سلطنت کبری چند دقیقه اوقات مبارک شاهانه را در خیر و صلاح و انتظام امور قشون ... محل قشون را معین و جدا بفرمایید... و چنانچه اول خیال همایون در الغای ادارت قدیمه و تشکیل وضع جدید همین بود. چنانچه در سپه سالاری اول فدوی خاکسپار هم که واسطه قوی نیل بود. همین کار را فرمودید. طلب قشون آنوقت هم مقارن همین مبلغ بود. دویست و چهل هزار تومان گمرک و هفده هزار تومان اصفهان و هفده هزار تومان فارس و هفده هزار تومان کرمان محل مرحمت شد. کار انتظام گرفت و خاطر مبارک آسوده گردید. حالا اگر اطرافها بخواهند مانع تعیین محل بشوند یقین بدانید که می‌خواهند مانع انتظام امور قشون باشند... (فرهاد معتمد، ۱۳۶۲: ۵۷).

میرزا حسین خان پیوسته شاه را تشویق می‌کرد که «به مواجب سربازان بیفزاید و در عوض از حقوق گزاف درباریان بکاهد» (دیولافوا، ۱۳۶۱: ۲/۵۰۲). سپهسالار برای سرو سامان دادن به وضعیت مالی نظامیان و تأمین مخارج و حقوق آن‌ها و همچنین جلوگیری از حیف و میل شدن بودجه نظامی، بخش از عایدات گمرک و بخشی از مالیات استان‌ها

را به بودجه نظامی تخصیص داده است. او «برای آنکه حساب قشون روشن باشد و وزیر مالیه یا وزیر استیفا و وزیر کشور نتواند در امور دفتر لشکر دخالت نمایند، مبالغی که از گمرک علید می‌شد و مبالغی نیز از اقساط فارس، کرمان، اصفهان را به وزارت لشکر پرداخته می‌کرد. مسئول حصول ایصال آن هم وزیر کشور بوده و دستورالعمل سالیانه وزارت کشور با اطلاع سپهسالار به صحنه شاه می‌رسید و در جزئیات آن دیگر وزارتخانه‌ها حق دخالت نداشتند» (فرهاد معتمد، ۱۳۶۲: ۵۶).

اقدام دیگر او جهت بهبود وضعیت مالی نظامیان این بود که برای جلوگیری از حق خوری و ضایع نشدن حق و حقوق آن‌ها، پرداخت مواجب سپاهیان را منظم و قانون‌مند کرد و با مجاب کردن شاه به موجب حکم شاهانه مقرر گردید: «حقوق نوکر در محل که پرداخت می‌شود باید فوج و فوج و دسته دسته و طایفه به طایفه کتابچه مخصوص داشته باشند و فرد فرد نایبان و صاحب منصبان زیر اسم خود را مهر نمایند. صاحب منصب کل و لشکر نویس آخر کتابچه را نوشته و مهر نمایند و خود حاکم بنویسد این حقوق به اطلاع او پرداخته شده است» (سبأ، آلبوم: ۱۱۷۱، کد ۱۷/D/۱۰، تهران به همدان، ۵ ربیع‌الاول، ۱۳۰۰، ت. ن ۶). او برای رسیدگی درست به وضعیت مالی سربازان و نظامیان دفتر لشکر را از سایر دفاتر مالی دولت جدا کرد؛ به طوری که نوشته: «دفتر لشکر را از کلیه دفاتر کشوری جدا کرد و میرزا موسی آشتیانی که خود او به وزارت لشکر گمارده بود، در امور مالی قشون، کارهای دفتری، تهیه وسایل قشون، لشکرکشی و امور دیگر اختیار تام و تمام داد». توجه به وضعیت غذایی، بهداشت و پوشاک نظامیان، دیگر اقدام مهم او برای بهبود امور مالی ارتش بود. سپهسالار برای تأمین مواد غذایی سپاهیان «به ایجاد انبار غله نظامی اقدام کرد» (آدمیت، ۱۳۸۵: ۴۴۱). وی در زمینه لباس نظامیان دگرگونی

خاصی به وجود آورد: «لباس مشهور به سرداری که به پالتو شباهت داشت و دامن آن چین دار بود در این زمان متداول شد. این لباس از لباس سرتیپی فرانسه تقلید شده بود» (مخبر همایون، ۱۳۴۳: ۱۳۴).

سپهسالار در حوزه رسیدگی به مشکلات رفاهی دستگاه نظامی، تأکید ویژه‌ای بر خدمات بهداشت و درمان نیروهای نظامی داشت: «برای هر فوج پزشک مخصوص می‌فرستاد» (ساء، آلبوم، ۱۰۶، کد ۱۰/ D / ب / ۱۷، تهران به اصفهان، ۵ ربیع‌الاول ۱۲۹۶، ت. ن: ۳۹). پیامد اصلاحات سپهسالار برای ترقی وضعیت مالی قشون این بود که سبب شد: «حقوق سرباز به سهولت برسد و هیچ از مواعد و مواقع مقرر نگذرد و سپاهیان حقوق خود را تمام و کمال دریافت دارند» (روزنامه ایران، ۲۲ جمادی‌الثانی، ۱۲۹۲). با توجه به مطالب ذکر شده در زمینه رسیدگی به حقوق و مواجب سپاهیان و همچنین بهبود وضعیت رفاهی نظامیان می‌توان گفت اقدامات وی در زمان خود اگرچه بی نظیر نبود؛ اما کم نظیر و دارای پیامدهای مثبت بوده است.

۳-۵. استخدام مستشاران خارجی

استخدام مستشاران خارجی برای آموزش‌های نوین به نیروهای نظامی و انتقال علوم و فنون نظامی از غرب به ایران، دیگر اقدام یا دال شناور گفتمان سپهسالار به مسائل نظامی بوده است. او هم مثل امیرکبیر ابتدا به دنبال کشیدن پای نیروی سوم در ایران بود. به همین دلیل با اتریشی‌ها وارد مذاکره شد. در دوره صدارت اوس و چند نفر مشاور خارجی در استخدام دولت بود که دست کم بیست نفر آن‌ها از اتریش آمده بودند. او هیئت چهارده نفره مستشاران نظامی اتریش را استخدام کرد. سپس در سال ۱۲۹۶ ق گروه دوم مستشاران اتریشی که شامل چند افسر پیاده نظام و مهندس مخابرات، قورخانه، توپخانه و موزیک بودند به استخدام دولت ایران در

آمدند و آموزش گروه پیاده و توپخانه را بر عهده گرفتند. مأموریت این گروه سه سال به طول انجامید (شمیم، ۱۴۰۰: ۱۴۶). روزنامه مریخ در مورد مستشاران نظامی اتریش برای خدمت به ارتش نوشته است: «... ۱۳ نفر صاحب منصب که برای معلمی توپخانه، پیاده نظام، قورخانه، موزیک و مشق مخبران که از دولت بهیه آستره خواسته بودند همراه با وزیر مختار و سپهسالار اعظم مشیرالدوله به دربار وارد و قرار شد هفت هزار نفر از پیاده نظام را برای نمونه سایر افواج تعلیم دهند» (روزنامه مریخ، ۱۲۹۶ ق، ش ۲: ۱). هدایت در مورد استخدام مستشاران اتریشی توسط میرزا حسین خان و نتیجه کار آنان نوشته است: «او ۱۰ نفر از افسران اتریش برای مدت سه سال استخدام کرد. در نظام ارتشی اوس سی هزار نفر تربیت شده بودند» (هدایت، ۱۳۴۴: ۶۳).

یکی از اقدامات پرچالش و جنجال برانگیز سپهسالار در استخدام مستشاران نظامی که تبعات و پیامدهای زیان باری برای ایران به همراه داشت، استخدام نیروی قزاق از روسیه بود. در سال ۱۲۹۵ ق هنگامی که ناصرالدین شاه برای دومین مرتبه راهی اروپا شد، پس از دیدن رژه سپاهیان روسیه در میدان شان دومارس سنت پترزبورگ تصمیم گرفت با کمک روس‌ها سربازانی به همان سبک و سیاق در ایران تربیت نماید. به دنبال این درخواست در سال ۱۲۹۶ ق میان دولت ایران و روسیه قراردادی منعقد شد. بر همین اساس هیأتی از افسران روسی به ریاست سرهنگ دومان‌توویچ^۱ در محرم سال ۱۲۹۶ ق به ایران آمدند و آموزش گروهی از سواران را به دست گرفتند. بدین گونه سواره نظام به تقلید از قزاقان روس، با همان لباس رسمی و ساز برگ پدید آمد (شمیم، ۱۴۰۰: ۱۴۶). امین‌الدوله در مورد آمدن قزاق‌های روس به ایران می‌نویسد: «برای این فوج سواره فشنگ و توپ هم ... خریداری شده تا قشون ایران به قواعد معموله فرنگستان تطبیق نمایند و

غلط‌هایی که موجب خرابی مملکت و بی‌انتظامی قشون است تصحیح شود» (امین‌الدوله، ۱۳۵۵: ۶۳). قزاق‌ها که براساس بند هفتم قراردادی که میان میرزا حسین خان سپهسالار و وزیر مختار روسیه در تهران منعقد شده بود می‌بایست زیر نظر وزیر جنگ ایران فعالیت کنند، پس از مدت کوتاهی حقوق خود را از بانک استقراضی روسیه دریافت کردند (تیموری، ۱۳۳۲: ۲۰). با اینکه تعداد قزاق‌ها در دوره سپهسالار کم بود؛ ولی به تدریج این نیروی نظامی، مستقل از دولت ایران عمل می‌کرد و از تزار روسیه دستور می‌گرفت. از اقدامات مهم سپهسالار برای آموزش ارتش، ایجاد مدرسه نظامی یا ایتماژوری در سال ۱۲۹۱ ق بود. هدف عمده از تأسیس این مدرسه، آموزش فرماندهان مجرب و ورزیده‌ای بود که با تربیت آن‌ها ارتش ایران از نیروهای تحصیل کرده برخوردار گردد. درس و موضوعاتی که در این مدرسه تدریس می‌شد عبارت بودند از: «پیاده نظام، سواره نظام و توپخانه مهندس، تاکتیک نظامی، فیزیک، ریاضی، قلعه‌سازی و حتی تاریخ نظامی هم جز برنامه درسی آن بود» (آدمیت، ۱۳۸۵: ۴۳۵). راه‌اندازی نشریه تخصصی در حوزه مسائل نظامی، آموزش و فراگیری قشر نظامی از مسائل و موضوعات و فنون جدید، دیگر اقدام مهم سپهسالار بود. او پایه‌گذار نخستین نشریه تخصصی نظامی در ایران بوده است (پروین، ۱۳۷۷: ۱۹۱). در اعلامیه رسمی این روزنامه در مورد هدف از تأسیس و رسالت آن آمده است: «به منظور القای تعلیم علوم نظامی و ارتقای عموم طبقات قشون به مدارج عالی، اختراع این روزنامه را فرمودند که افراد و آحاد و اداره قشون و وزارت جنگ از علوم نظامات جدید و قوانین و اختراعات پسندیده جنگ بی‌بهره نمانند» (روزنامه دولت علیه ایران، نمره ۱، جمعه ۲۹ ذی‌قعدة ۱۳۹۳). با توجه به نکات فوق مشخص می‌شود که سپهسالار تلاش همه‌جانبه را برای آموزش و تخصص نیروهای نظامی انجام داد. این تلاش از استخدام

مستشاران خارجی گرفته تا ایجاد مدرسه و سپس تأسیس روزنامه را شامل می‌شد. استوارت در گزارشی به سال ۱۲۹۷ ق در مورد نتیجه اصلاحات سپهسالار در آموزش قشون ایران توسط مستشاران خارجی می‌نویسد: «صاحب منصبان جوان ایرانی که در این قشون تربیت شده‌اند بهترین صاحب منصبان آسیا هستند... توپچیان قابل‌ی بار آمده‌اند» (استوارت، ۱۳۹۶: ۲۲۳).

۴-۵. وضع و تدوین قوانین جدید

تلاش برای قانون‌مندکردن ساختار نظامی ایران دیگر اقدام کلیدی سپهسالار برای تشکیل ارتش مدرن بوده است. این اقدام برای پایان دادن به بی‌نظمی، بی‌انضباطی، خودسری در امور نظامی کشور انجام شد. سپهسالار در این راستا سه قانون نظامی طراحی کرد که عبارت بودند از «قانون‌نامه تعیین حدود و تکالیف حکام و روسای قشون، قانون نظم قراولخانه و قانون تحقیق نظامی» (آدمیت، ۱۳۸۵: ۴۲۸). قانون تعیین حدود و تکالیف حکام و روسای قشون یکی از کارآمدترین قوانینی بود که ضمن مشخص کردن حدود اختیارات مسئولین نظامی، بر عدم دخالت نظامیان در امور کشور و جداسازی امور نظامی از امور کشوری تأکید می‌کرد. براساس این قانون که در سال ۱۲۹۴ ق به تصویب رسید، حدود اختیارات و وظایف فرماندهان ارتش و فرمانداران مشخص و امور دولتی و کشوری از تشکیلات نظامی جدا شده بود. میرزا حسین خان بر عدم دخالت نظامیان در حیطه مسئولیت‌های مربوط به کشورداری تأکید ویژه‌ای داشت (آدمیت، ۱۳۹۴: ۸۵). طبق این قانون که دارای ده ماده بود «حکام ولایات تنها پس از کسب اجازه از مرکز می‌توانستند به برگزیدن اشخاص برای سپاهی‌گری مبادرت کنند. آن‌ها بدون اجازه مرکز، حق خرج دیناری را هم نداشتند. تا جایی که ولیعهد مظفرالدین میرزا از تبریز به میرزا موسی وزیر لشکر

نامه می نویسد و از او برای میرزا علی لشکر نویس موجب می خواهد» (فرهاد معتمد، ۱۳۶۲: ۹۶).

اقدام میرزا حسین خان برای قانونمند کردن ساختار ارتش ایران و پایان دادن به بی نظمی و بی سامانی آن، تأسیس مجلس شورای نظامی در سال ۱۲۸۸ق بود که در آن «سیاست های نظامی طراحی و تدوین می شد ... ریاست این شورا با ناصرالملک بود... اعضای شورای نظامی هفت تن بودند چهار نفر از صاحب منصبان نظامی و سه تن از اهل کشوری» (آدمیت، ۱۳۸۵: ۲۲۹). سپهسالار برای تدوین قوانین نظامی کتابچه هایی به کمک صاحب منصبان فرانسوی برای اصلاح امور نظامی تهیه کرد که شامل ترتیب قشون، جیره و مواجب آنها، تهیه و تدارکات سپاه بود که به نظرشاه بهترین قانون برای نظام قشون در ایران بود (آدمیت، ۱۳۸۵: ۴۳۸/۲). از اهداف مهم سپهسالار برای قانونمند کردن امور نظامی، جلوگیری از کارهای ناشایست و تعدی های گاه به گاه نظامیان به مردم بوده است، او در این زمینه با متجاوز به شدت برخورد می کرد. برای مثال زمانی که شنید در میانج تبریز سربازی یک طفل را مورد آزار و اذیت قرار داده است، به حاکم تبریز نوشت: «خیلی حیف است که با این حرکات اعمال و زحمات خودتان را ضایع نمائید» (تلگرافات سپهسالار، نمره ۱۱۶: ۴۰۲). سپس در این زمینه به اقبال الدوله رئیس قشون آذربایجان اظهار کرد: «به خدا اگر این سرباز را پیدا نکردی و خیلی زود اطلاع ندادی هم شما و هم شعاع الدوله حاکم تبریز بد خواهید دید» (تلگرافات سپهسالار، نمره ۱۱۶: ۴۰۲). در تبریز وقتی مطلع شد که در نزاع سربازان با فردی به نام عبدالله، سربازان وی را کشتند به ولیعهد تلگراف زد و گفت: «لزو ما عرض می کنم مقرر فرمایید ضاربین را بگیرند به طوری که مقتضی عدالت و حکومت حضرت والا و میزان شرع مطاع است احقاق حق فرمائید» (تلگرافات عصر سپهسالار، نمره ۱۱۶: ۴۴۲).

راهکار سپهسالار برای جلوگیری از تعدی سربازان به مردم، بازگذاشتن راهی برای دادخواهی ستمدیدگان به دربار حاکمان و مقامات مسئول برای پیگیری و گرفتن حقشان بوده است. به طوری که در آذربایجان «ولیعهد صاحب درب خانه شده بود و مردم می توانستند عریضه های خود را از آن راه به ولیعهد برسانند و او نیز به رسم زملنه یکشنبه ها را بارعام داده بود و هر کسی می توانست شکایت و درخواست خود را بی بیم و هراس مطرح کند» (تلگرافات عصر سپهسالار، نمره ۱۱۶: ۴۲۹-۴۳۰). برقراری امنیت داخلی در نقاط مختلف کشور دیگر اقدام مهم برای ایجاد نظم و انضباط و آرامش بوده است در ذی قعدة ۱۲۹۴ق شاه نظم راهها و انتظام قراسواران کل راهها را به عهده سپهسالار گذاشت. سپهسالار که از عمق ناامنی راهها آگاه بود و اهمیت ثبات و امنیت داخل را برای توسعه و پیشرفت کشور ضروری می پنداشت به مأمورین دولتی تاکید کرده بود: «امنیت طرق و شوارع به عهده حکومت و دولت است، از این رو اگر مالی به سرقت برود دولت ضامن است که یا عینا پیدا کرده بدهد یا بعد از مدت شش ماه غرامات مسروقات را به صاحب مال پرداخت کند» (تلگرافات عصر سپهسالار، ۱۳۷۰: ۶۴). سپهسالار حاکمان و صاحب منصبان نظامی را در برقراری امنیت تشویق می کرد؛ زمانی که مطمئن شد حاکم تبریز لطف الله میرزا شعاع الدوله در حفظ امنیت و رسیدگی به کارها «کمال مواظبت و مجاهده را به کار برده از او تمجید کرد و در نامه ای به او نوشت از مراتب مراقبت های شما بسیار مسروم... از مراقبت فرو گذاشت نکرده و خلافی هم از احدی به ظهور نرسیده الا این مسئله سرقت امانات که آن را هم به این مراقبتی که دارید، خیلی اطمینان دارم که زود پیدا کنید و خاطر مرا از این دین فقره آسوده سازید» (تلگرافات عصر سپهسالار، ۱۳۷۰: ۳۹۷).

اقدامات سپهسالار در زمینه قانون‌مند کردن ساختار نظامی ایران و ایجاد نظم و انضباط سبب شد تا شرایط آشفته و بی‌سامان نیروهای نظامی ایران دگرگون شود و به شیوه مطلوبی سازماندهی شوند. آن گونه که اعتمادالسلطنه اذعان داشته است:

یکشنبه ۲۱ جمادی‌الثانی ۱۲۹۲ق بعد از عرض روزنامه و صرف نهار تلگرافی چند از ولایات رسید... دوسه ساعت مانده موکب همایون به اردوی نظامی که بالای قصر قاجاریه سپهسالار زده تشریف بردند. اردو مرکب از هشت هزار نفر جمعیت است و بسیار با قاعده و با نظم. شاه بعد از اینکه تمام اردو را گردش فرمودند به چادر سپهسالار آمدند و هزار تومان نقد و یک طاقه شال پیشکش گذاشته بودند (اعتمادالسلطنه، روزنامه خاطرات، ۱۳۵۰: ۸).

توجه و تلاش ویژه صدراعظم نوگرا و ترقی‌خواه عصر ناصری به امور نظامی سبب شد که «موجب قدرت و افتخار دولت شود» (دولت‌آبادی، ۱۳۶۲: ۱۰۱). اعتمادالسلطنه در مورد تأثیر اصلاحات سپهسالار نوشته است: «طرز جدید آورد، اوضاع امور و سبک قدیم ایران را تغییر داد راه مراوده ایران و فرنگستان را او بیشتر مفتوح کرد» (اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۷: ۲۶۰). روزنامه مریخ در مورد نتیجه و دستاورد مهم اصلاحات سپهسالار برای ایجاد نظم و قانون در سراسر مملکت گزارش داد که در یک اردوکنشی نظامی ریش سفیدان دهات در حضور سپهسالار گواهی دادند که «تعدی، اجحاف و خسارتی از سربازی به زراعت یا بستان آنها نرسید و آزاری از سربازی ندیده‌اند» (روزنامه مریخ، ۵ محرم، ۱۲۹۶). اصلاحات نظامی سپهسالار در آن زمان تأثیر مهمی بر تحول و تغییر وضعیت قشون ایران گذاشت. این اصلاحات به حدی روشن و تاثیرگذار بود که ستایش و آرامش خاطر شاه را به همراه داشت. شاه در نامه‌ای به سپهسالار نوشت: «نصافا جای کمال تعریف و تمجید را دارد زحمات شما و دقت شما اسباب اینگونه نظامات شده

است» (اسناد سپهسالار، دستخط شاه در حاشیه نامه میرزا حسین خان: ۱۲۹۸).

۶. نتیجه‌گیری

ناکارآمدی قشون قاجار در مواجهه با قدرت‌های استعماری روسیه و انگلیس در قرن نوزدهم، نخبگان سیاسی ایران را متوجه این امر مهم کرد که ساختار نظامی ایران نیازمند اصلاحات بنیادین و فوری براساس ارتش‌های مدرن اروپایی است. یکی از مهم‌ترین سیاستمداران و صدراعظم‌های دوره قاجار که در این زمینه تلاش فراوانی انجام داد، میرزا حسین خان مشیرالدوله معروف به سپهسالار بود. او سال‌ها بیرون از ایران، تجربیات و اطلاعات ارزشمندی از تمدن جدید غرب به دست آورده بود. هنگامی که بنا درخواست ناصرالدین شاه به مناصب مهم حکومتی از جمله وزارت و صدارت رسید؛ تکاپوی زیادی برای انجام اصلاحات همه‌جانبه و بنیادین در ایران انجام داد.

در میان اصلاحات نوگرایانه سپهسالار، اصلاحات نظامی از اهمیت خاصی برخوردار است. او به درستی درک کرده بود که ریشه بسیاری از ناتوانی‌ها، مصائب و حوادث تلخ ایران در عرصه داخلی و خارجی، نداشتن قدرت نظامی یا به عبارت دیگر نبود ارتش مدرن قوی است. بر همین اساس او اصلاحات نظامی را جز اولویت‌های برنامه‌های نوگرایی خود قرار داد. بررسی دقیق کارنامه سپهسالار در حوزه اصلاحات نظامی نشان می‌دهد که هسته اصلی گفت‌وگوها و نسبت به مسائل نظامی، تشکیل ارتش مدرن قوی با الگوبرداری از ارتش‌های اروپایی برای دفاع از حقوق و حاکمیت ملی ایران بوده است. او در راستای این هدف مهم، اقدامات بسیاری انجام داد که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: خرید تجهیزات و سلاح مدرن از اروپا و به دنبال آن تأسیس کارخانه‌های تولید مهمات و تجهیزات نظامی در کشور که نشان از تلاش وی جهت خودکفایی در تولید بخشی از نیازهای ارتش ایران

- استوارت، چارلز، مأموریت سری با لباس مبدل: سفرنامه کلنل استوارت به شمال خراسان در زمان حمله روسیه به خانات آسیای میانه، ترجمه حسین سعادت نوری، تهران: مجمع ذخایر اسلامی، ۱۳۹۶.

- اسناد سپهسالار، شاه به میرزا حسین خان، ۱۲۹۶.

- اسناد سپهسالار، شاه به میرزا حسین خان ۱۲۹۱.

- اسناد سپهسالار، دستخط شاه در حاشیه نامه میرزا حسین خان ۱۲۹۸.

- اسناد سپهسالار، میرزا حسین خان به شاه، ۱۲۹۲.

- ایران، دستورالعمل عبدالرسول خان سرتیپ، رجب ۱۲۸۵.

- ایران، نامه محمدعلی خان مهندس، مأمور بوشهر، ۲۱ ربیع الثانی ۱۲۹۱.

- براد فورد، جی، مارتین، تاریخ روابط ایران و آلمان، ترجمه پیمان آزاد و علی امید، تهران: پیک ترجمه، ۱۳۶۸.

- بیانی، خان بابا، پنجاه سال تاریخ ناصری، ج ۱ و ۳، تهران: علمی، ۱۳۷۵.

- بشیر، حسن، تحلیل گفتمان دریچه‌ای برای کشف ناگفته‌ها، تهران: دانشگاه امام صادق، ۱۳۸۴.

- بروگش، هیزیش، سفری به دربار سلطان صاحبقران، ترجمه حسین کردیچه، ج ۱، بی‌جا: اطلاعات، ۱۳۶۷.

- بارت، رولان، درآمدی بر تحلیل ساختاری روایت‌ها، ترجمه محمد راغب، تهران: فرهنگ صبا، ۱۳۸۷.

- پروین، ناصرالدین، تاریخ روزنامه نگاری ایرانیان و دیگر پارسی نویسان، ج ۱، تهران: نشر دانشگاهی، ۱۳۷۷.

- تیموری، ابراهیم، عصر بی خبری یا تاریخ امتیازات در ایران، تهران: اقبال، ۱۳۳۲.

- تلگرافات عصر سپهسالار، به کوشش محمود طاهری احمدی، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، ۱۳۷۰.

- جمال‌زاده، محمدعلی، گنج شایگان یا اوضاع اقتصادی ایران، تهران: بنیاد موقوفات محمود افشار، ۱۳۷۶.

- خان ملک ساسانی، احمد، سیاستمداران دوره قاجار، ج ۱، تهران: بابک، بی‌تا.

- دنبلی، عبدالرزاق، مائثرالسلطانیه، تصحیح و تحشیه غلامحسین زرگری نژاد، تهران: روزنامه ایران، ۱۳۸۳.

- دولت آبادی، یحیی، حیات یحیی، ج ۱، تهران: فردوسی، ۱۳۶۲.

دارد. استخدام مستشاران اروپایی برای آموزش‌های نوین نظامی به نیروهای ایرانی و انتقال علوم و فنون غرب به ایران، تنظیم بودجه منظم و مستقل برای وزارت لشکر و سرو سامان دادن به اوضاع پریشان مالی و رفاهی سربازان و نظامیان، تلاش برای قانونمند کردن ساختار ارتش و پایان دادن به بی‌نظمی، خودسری و بی‌انضباطی در دستگاه نظامی ایران از دیگر اقدامات صدراعظم عملگرای ناصرالدین شاه می‌باشد. سپهسالار تلاش کرد تا سیستم استبداد زده و رها شده نظامی را که در آن انواع تعدی‌ها و اجحاف به نظامیان و مردم، عادی تلقی می‌شد را به زنجیره‌های محکم قانون قاعده بند کند که در زمان خود بسیار مهم و کم نظیر بوده است. شواهد تاریخی نشان می‌دهد که هر چند مدت زمامداری این صدراعظم نوگرا کوتاه بود، اما اصلاحات او در حوزه نظامی سبب تغییرات کوچک و پراکنده در ساختار قشون ایران شد. شاید اصلاحات میرزا حسین خان سپهسالار، زمینه‌ساز تشکیل ارتش ملی مدرن در دوره پهلوی اول شد.

کتابنامه

- آدمیت، فریدون، اندیشه ترقی و حکومت قانون عصر سپهسالار، تهران: خوارزمی، ۱۳۸۵.

- آدمیت، فریدون، فکر آزادی و مقدمه مشروطیت، تهران: گسترده، ۱۳۹۴.

- اعتمادالسلطنه، محمد حسن خان، تاریخ منتظم ناصری، تصحیح محمد اسماعیل رضوانی، تهران: دنیای کتاب، ۱۳۶۷.

- اعتمادالسلطنه، محمد حسن خان، روزنامه خاطرات، به کوشش ایرج افشار، تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۰.

- اعتمادالسلطنه، محمد حسن خان، صدرالتواریخ، به کوشش محمد مشیری، تهران: روزبهان، ۱۳۵۷.

- اخوان کاظمی، بهرام، «نقد و ارزیابی تحلیل گفتمانی لاکلاو و کاربرد آن در سیاست»، نشریه سیاست، شماره ۲، صص ۱-۲۰، ۱۳۹۱.

- امین‌الدوله، علی، خاطرات سیاسی، به کوشش حافظ فرمانفرمائیان، تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۵.

- روزنامه دولت علیه ایران، نمره ۱، جمعه ۲۹ ذی‌قعدة ۱۲۹۳ ق.
- روزنامه ایران، ۲۲ جمادی‌الثانی ۱۲۹۲ ق.
- روزنامه ایران، ۱۷ محرم ۱۲۹۲ ق.
- روزنامه مریخ، ش ۱-۲، ۱۲۹۶ ق.
- روزنامه مریخ، ۵ محرم، ۱۲۹۶ ق.
- دیولافوا، ژان، *سفرنامه مادام دیولافوا*، ترجمه علی فره‌وشی، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۶۱.
- سلیم، محمد نبی، *تاریخ قاجار*، ج ۲، شاهرود: دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۸۴.
- سبا، آلبوم. ۱۱۷۱. کد ۱۰ / D / ب / ۱۷. تهران به همدان، ۵ ربیع الاول، ۱۳۰۰ ت. ن. ۶.
- سبا، آلبوم. ۱۱۷۱. کد ۱۰ / D / ب / ۱۷. تهران به اصفهان، ۱۰ جمادی الاول، ۱۲۹۶ ت. ن. ۳۹.
- شمیم، علی اصغر، *ایران در زمان سلطنت قاجار*، تهران: بهزاد، ۱۴۰۰.
- فرهاد معتمد، محمود، *سپهسالار اعظم*، تهران: شرکت نسبی علی اکبر علمی و شرکا، ۱۳۶۲.
- صفایی، ابراهیم، *اسناد نویافته*، تهران: بابک، ۱۳۹۴.
- عضدانلو، حمید، *گفتمان و جامعه*، تهران: نی، ۱۳۸۰.
- لاکلاو، ارنستو و شانتال موفه، *هژمونی و استراتژی سوسیالیستی*، ترجمه محمد رضایی، تهران: ثالث، ۱۳۹۳.
- کشاورز، بنیامین، «واکاوی نوسازی ارتش ایران عهد ناصری مبتنی بر تسلیحات مورد استفاده در قرن نوزدهم با تمرکز بر اصلاحات ۱۸۸۰ م/ ۱۲۹۷ ق» *فصلنامه مطالعات جنگ*، سال چهارم، ش ۱۴، صص ۱۹۹-۲۳۵، ۱۴۰۰.
- کشاورز، بنیامین، «شرح و تحلیل جنگ مرو ۱۲۷۶ ق/ ۱۸۶۱ م»، *فصلنامه مطالعات جنگ*، سال ششم، ش ۲۱، صص ۳۵-۶۱، ۱۴۰۳.
- ملکم، سرجان، *تاریخ ایران*، ترجمه میرزا اسماعیل حیرت، تهران: سنایی، ۱۳۸۳.
- میرزایی، محمد و علی ربانی خوراسگانی، «ایدئولوژی سوژه هژمونی و امر سیاسی در بستر نظریه گفتمان»، *مجله غرب شناسی*، سال پنجم، ش ۱، صص ۲۳-۴۶، ۱۳۹۳.
- مخبر، همایون، «متصدیان مقام صدارت در عهد قاجاریه»، *نشریه ارمنغان*، ش ۲۳، صص ۱۳۷-۱۳۴، ۱۳۴۳.
- هاشمی رفسنجانی، علی اکبر، امیر کبیر، میرزا تقی خان فراهانی، *قهرمان مبارزه با استعمار*، تهران: بی نا، ۱۳۴۶.
- وهرام، غلامرضا، *نظام سیاسی و سازمان اجتماعی ایران*، تهران: معین، ۱۳۸۵.
- هدایت، مهدیقلی مخبرالسلطنه، *خاطرات و خطرات*، تهران: زوار، ۱۳۴۴.
- یارمحمدی، لطف الله، *گفتمان شناسی رایج و انتقادی*، تهران: هرمس، ۱۳۸۷.
- یورگنسن، ماریان و لوتیز فیلیپ، *نظریه و روش در تحلیل گفتمان*، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نی، ۱۳۸۹.
- Blau, otto, Die kommerzielle zustande, persans wien: Decker, 1855.
- Laclau, E, and miuffe, Hegemoney, and, socialist, strategy: towards, Radical, Democratic, politics, London: 2002.